منشور نسل جوان در سیره امام صادق علیه‌السلام

جوانان و نوجوانان در هر جامعه‌ای گنجینه‌های سرشاری هستند كه اگر مربیان و متولیان برای این قشر عظیم سرمایه گذاری شایسته انجام داده و این گروه فعال و پرشور را با رفتار حكیمانه و تكریم شخصیت و احترام به نیازها، به اهداف مطلوب و ایده آل خود هدایت نمایند، علاوه بر این كه آنان را از خطر انحراف و تردید در هویت و آسیب‌های اجتماعی مصونیت بخشیده اند، قلب‌های پاك و زلال آنان را به سوی خوبی‌ها، زیبایی‌ها و اخلاق پسندیده رهنمون شده اند، و جامعه آینده را از نظر سلامتی و حفظ ارزش‌ها و فرهنگ، بیمه نموده اند. امام صادق علیه السلام در مورد سرمایه گذاری معنوی برای نسل نو و حفاظت نوجوانان از گروه‌های منحرف و كج اندیش، می‌فرماید: «با درو احداثكم بالحدیث قبل ان یسبقكم الیهم المرجعة (1) ؛ نوجوانان خود را با احادیث ما آشنا كنید قبل از این كه مرجعه (یكی از گروه‌های منحرف) بر شما پیشی گیرند.

ارتباط با نسل جوان

هدایت و تربیت نسل جوان به لحاظ اهمیتی كه دارد امروزه بیش از گذشته مورد توجه اندیشمندان و دل سوزان جوامع مختلف قرار گرفته است. جوان دارای خصوصیات عاطفی، اجتماعی و جسمانی است. حساسیت، تنوع خصلت‌های رفتاری، هیجان‌های درونی، علاقه شدید به دوستی با همسالان، عدم كنترل رفتار، حب ذات، الگو پذیری و تقلید، افتخار به شخصیت و تشخص طلبی و میل به آزادی، شمه‌ای از ویژگی‌های اوست.

با توجه به این ویژگی‌ها، شیوه رفتاری امام صادق علیه السلام با جوانان، و همچنین سخنان و دستور العمل‌های آن حضرت برای جوانان و برخورد با آنان، بهترین نسخه شفا بخش و راهگشاست. نگاه‌های مهربان، بزرگداشت شخصیت، توجه به استعداد و صلاحیت آنان، احترام به نیازهای فردی و اجتماعی، رفتار محبت آمیز و حكیمانه و سرشار از عاطفه و خلوص، موجب جذب جوانان به سوی آن حضرت بود و شیفتگی آنان به رهبر خویش، ریشه در شیوه رفتار و گفتار آن حضرت نسبت به مخاطبین و شاگردان خویش دارد.

آن حضرت به سرعت پذیرش سجایای اخلاقی در نوجوانان توجه كرده و به ابوجعفر؛ مؤمن طاق می‌فرماید:

«علیك بالاحداث فانهم اسرع الی كل خیر؛ (2) بر تو باد تربیت نوجوانان، زیرا آنان زودتر از دیگران خوبی‌ها را می‌پذیرند..»

در اینجا چند نمونه از رفتار آن حضرت را در برخورد با نسل جوان می‌خوانیم:

1 - آن روز یكی از شلوغ‌ترین ایام حج بود. امام صادق علیه السلام با گروهی از یارانش گفت و گو می‌كرد. در این هنگام هشام بن حكم كه تازه به دوران جوانی گام نهاده بود، خدمت امام رسید. پیشوای شیعیان از دیدن این جوان شادمان شد، او را در صدر مجلس و كنار خویش نشاند و گرامی داشت. این رفتار امام، حاضران را كه از شخصیت‌های علمی شمرده می‌شدند، شگفت زده ساخت. وقتی امام علیه السلام آثار شگفتی را در چهره حاضران مشاهده كرد فرمود: «هذا ناصرنا بقلبه و لسانه و یده؛ این جوان با دل و زبان و دستش (با تمام وجود) یاور ماست..» سپس برای اثبات مقام علمی هشام برای حاضرین، درباره نام‌های خداوند متعال و فروعات آن‌ها از وی پرسید و هشام همه را به نیكی پاسخ گفت. آن گاه حضرت فرمود: «هشام! آیا چنان فهم داری كه با منطق و استدلال دشمنان ما را دفع كنی، هشام گفت: آری. امام فرمود: «نفعك الله به و ثبتك؛ خداوند تو را از آن بهره مند سازد و [در این راه] ثابت قدم بدارد..» هشام می‌گوید: بعد از این دعا هرگز در بحث‌های خداشناسی و توحید شكست نخوردم. (3)

2 - مفضل بن عمرو نماینده امام صادق علیه السلام در شهر كوفه بود. او از طرف امام موظف بود به مشكلات دینی، مالی و اجتماعی مردم كوفه رسیدگی كند و در این رابطه با جوانان شهر ارتباط صمیمانه و مستحكمی برقرار كرده بود، برای همین عده‌ای این دوستی را نتواستند تحمل كنند، ناچار به شایعه و افتراء روی آوردند و مفضل و یارانش را به شرابخواری، ترك نماز، كبوتر بازی و حتی به سرقت و راهزنی متهم كردند. این گروه، كه ابوالخطاب معزول و طرفدارانش از فعالان آن شمرده می‌شدند، شایع كردند كه مفضل افراد بی مبالات و لاابالی را پیرامونش گرد آورده است. وقتی این شایعات به اوج رسید، گروهی از مومنان و مقدسان كوفه به محضر امام صادق علیه السلام چنین نوشتند: «مفضل با افراد رذل و شرابخوار و كبوتر باز همنشین است، شایسته است دستور دهید این افراد را از خود دور سازد..»

امام صادق علیه السلام بدون این كه با آنان در این باره سخن بگوید، نامه‌ای برای مفضل نوشته، مهر كرد و به آنان سپرد تا به مفضل برسانند. حضرت تصریح كرد كه نامه را خودشان شخصا به مفضل تحویل دهند. آنان به كوفه برگشتند و دسته جمعی به خانه مفضل شتافتند و نامه امام صادق علیه السلام را به دست مفضل دادند. وی نامه را گشود و متن آن را قرائت كرد. امام علیه السلام به مفضل دستور داده بود كه: چیزهایی بخرد و به محضر امام علیه السلام ارسال كند. در این نامه اصلا اشاره‌ای به شایعات نشده بود. مفضل نامه راخواند و آن را به دست همه حاضران داد تا بخوانند. سپس از آنان پرسید: اكنون چه باید كرد؟ گفتند: این اشیاء خیلی هزینه دارد. باید بنشینیم، تبادل نظر كنیم و از شیعیان یاری جوییم. در واقع هدفشان این بود كه فعلا خانه مفضل را ترك كنند. مفضل گفت: تقاضا می‌كنم برای صرف غذا در اینجا بمانید. آنان به انتظار غذا نشستند. مفضل افرادی را به سراغ همان جوانانی كه از آن‌ها بدگویی شده و به كارهای ناروا متهم شده بودند فرستاد و آنان را احضار كرد. وقتی نزد مفضل آمدند، نامه حضرت صادق علیه السلام را برای آنان خواند. آنان، با شنیدن كلام امام صادق علیه السلام برای انجام فرمان حضرت از خانه خارج شدند و پس از مدت كوتاهی بازگشتند. هر كدام به اندازه وسع خویش روی هم نهاده و در مجموع 2 هزار دینار و ده هزار درهم در برابر مفضل نهادند. آن گاه مفضل به شكایت كنندگان كه هنوز از صرف غذا فارغ نشده بودند نگریست و گفت: شما می‌گوئید این جوانان را از خودم برانم و گمان می‌كنید خدا به نماز و روزه شما نیازمند است؟! (4)

در اینجا به بخشی از شیوه‌ها و راه كارهای عملی برخورد و هدایت جوانان در پرتو گفتار و رفتار صادق آل محمدعلیهم السلام می‌پردازیم:

1 - رفتار نیكو و ملایم

نوجوان قلبی پاك و روحی حساس و دلی نازك و عاطفی دارد. در برخورد با او باید راه نرمی و ملایمت پیش گرفت. نگاه مهربان، ارزش دادن به شخصیت و رفتار خوش، بهترین شیوه ارتباط با اوست. محبت، اظهار علاقه، صدا كردن با القاب، عناوین و نام‌های زیبا او را به سوی مبلغ و مربی جذب می‌كند و در این حال می‌توان ارتباط قلبی و عاطفی با او ایجاد كرد، سخنانش را شنید، راهنمایی كرد، لغزش‌ها را متذكر شد و بالاخره درعالم دوستی كه یك ارتباط شدید روحی و عاطفی برقرار است، می‌توان صفات زیبا را به او القاء نمود، نیازهای بسیاری را از او برطرف كرد و از آلودگی‌ها او را بر حذر داشت، زیرا گرایش جوان به خوبی‌ها و زیبایی‌ها از دیگران بهتر و سریع‌تر انجام می‌پذیرد.

امام صادق علیه السلام فرمود: «من لم تكن فیه ثلاث خصال لم ینفعه الایمان: حلم یرد به جهل الجاهل. و ورع یحجزه عن طلب المحارم. و خلق یداری به الناس؛ (5) هر كس سه خصلت را دارا نباشد از ایمان خود سودی نخواهد برد: اول - بردباری، كه جهل نادان را برطرف كند. دوم - پارسائی، كه او را از حرام باز دارد. سوم - رفتار نیكو كه با مردم مدارا نماید..»

2 - آگاهی دادن در مسائل دینی

یكی از علل دین گریزی برخی جوانان و نوجوانان عدم آگاهی به مسائل دینی است. زیرا انسان طبیعتا هر چه را نشناسد به سویش نمی‌رود و افكار واحساسات و حواس خود را به سوی آن معطوف نمی‌دارد. اما شناخت و آگاهی از خوبی‌ها و زیبائی‌ها به ویژه اطلاع از منافع آن، سریعا انسان نفع طلب را به آن جذب كرده و آن را در نزد شخص، دوست داشتنی می‌كند. برای همین اگر جوانان با آثار و بركات و احكام و معارف دین آشنا شوند، فاصله آنان با حقایق دینی كم خواهد شد. افزون بر این، نسل جدیدی كه معمولا از مسائل و حقایق دینی بی اطلاع یا كم اطلاع است و بصیرت و معرفت كافی از دین ندارد، تحت تاثیر تبلیغات و هجمه‌های فرهنگی دشمنان قرار می‌گیرد.

امام صادق علیه السلام به بشیر دهان (روغن فروش) فرمود: «لا خیر فی من لا یتفقة من اصحابنا یا بشیر ان الرجل منهم اذا لم یستغن بفقهه احتاج الیهم فاذا احتاج الیهم ادخلوه فی باب ضلالتهم و هو لا یعلم؛ (6) از دوستان ما كسی كه در دین خود اندیشه و تفقه نكند ارزش ندارد.‌ای بشیر! اگر یكی از دوستان ما در دین خود تفقه نكند و به مسائل و احكام آن آشنا نباشد، به دیگران (مخالفین ما) محتاج می‌شود، هر گاه به آن‌ها نیاز پیدا كرد آنان او را در خط انحراف و گمراهی قرار می‌دهند در حالی كه خودش نمی‌داند..» ضرورت یادگیری احكام دینی در منظر پیشوای ششم آنقدر مهم است كه می‌فرماید: «لو اتیت بشاب من شباب الشیعة لایتفقه لادبته؛ (7) اگر به جوانی از جوانان شیعه برخورد نمایم كه در دین تفقه نمی‌كند او را تادیب خواهم كرد..»

3 - شناساندن آسیب‌های اجتماعی

آشنا نبودن نسل جدید با آفت‌های اجتماعی موجب افت ارزش‌های اخلاقی و توفیق دشمنان فرهنگی و رواج خلاف و حرام در میان آنان می‌باشد. اگر جوانان مسلمان با این آفت‌ها آشنا باشند و از عواقب بد آن در میان افراد جامعه اطلاع یابند، بنابر فطرت پاكی كه خداوند در نهاد آن‌ها قرار داده از آن آفت‌ها فاصله خواهند گرفت و دامن خویش را به چنین آفت‌های اجتماعی آلوده نخواهند كرد. صادق آل محمد علیه السلام مواردی از آفت‌های اجتماعی را چنین فهرست كرده است: الف) ستم كردن ب) فریبكاری ج) خیانت د) تحقیر و خوار كردن دیگران ه) اف گفتن: (نق بزند، غرغر كند و به این وسیله زحمات دیگران را نادیه گرفته و خود را چیزی پندارد.) و) دشمنی، كینه توزی و اظهار عداوت با برادران دینی ز) تهمت زدن ح) داد و فریاد و پرخاشگری ط) طمع كاری و حرص به دنیا.

«و ان لایظلمه و ان لایغشه و ان لایخونه و ان لایخذله و ان لایكذبه و ان لایقول له اف و اذ قال له اف فلیس بینهما ولایة و اذ قال له انت عدوی فقد كفر احدهما و اذا اتهمه انماث الایمان فی قلبه كما ینماث الملح فی الماء؛ (8) به برادر ایمانی خود ستم ننماید، او را فریب ندهد، به او خیانت نكند، او را كوچك نشمارد، او را دروغگو نخواند، به او اف نگوید و اگر به او اف بگوید (غرغر كند) لایت بین آن دو قطع می‌شود و اگر به برادر ایمانی‌اش بگوید تو دشمن من هستی، یكی از آن دو كافر [باطنی] می شود و اگر برادرش را متهم نماید، ایمان در قلب او ذوب می‌شود مانند ذوب شدن نمك در آب..» (9)

4 - ترغیب به دانش افزایی

یك جوان مسلمان باید از علوم روز آگاهی كافی داشته باشد. تخصص در كنار تعهد یك اصل مسلم و تردید ناپذیر در فرهنگ ما است. كسانی در عرصه زندگی به اهداف دلخواه خود می‌رسند كه با شناخت دانش‌ها و مهارت‌های عصر خود به قله‌های سعادت نائل شده و با تعهد و ایمان خویش، اعتماد افراد جامعه را به خود جلب می‌كنند. از منظر حضرت صادق علیه السلام كسب دانش و مهارت‌های فنی برای یك جوان ضروری است، آن حضرت می‌فرماید: «لست احب ان اری الشاب منكم الا غادیا فی حالین، اما عالما او متعلما؛ (10) هیچوقت دوست ندارم یكی از جوانان شما (شیعه) را ببینم مگر اینكه در یكی از دو حال، شب و روز خود را سپری كند: یا دانا باشد یا یاد گیرنده..»

5 - عادت دادن به حسابرسی

یك تاجر زمانی در كار خود پیشرفت می‌كند كه در هر شبانه روز به حساب خود رسیدگی كرده و سود و زیان معاملات خویش را بداند و گرنه بعد از مدت كوتاهی سرمایه و هستی خود را از دست خواهد داد. جوانی، یك سرمایه و فرصت بسیار عالی برای هر شخص می‌باشد. اگر یك جوان به حساب عمر خود رسیدگی نكند و نداند كه آیا در مقابل عمر خویش چه چیزی به دست آورده است، در آینده‌ای نه چندان دور سرمایه معنوی خویش را به باد فنا خواهد داد. اما اگر به حساب روزانه‌اش برسد و ببیند كه در مقابل هر روز از دست رفته، یك قدم به سوی كمال برداشته، خوشحال شده و آن را تكرار كند و در مقابل انحطاط فكری و اخلاقی غمگین گشته و سعی در جبران آن داشته باشد، بدیهی است كه رو به سوی رشد و ترقی خواهد نهاد. امام صادق علیه السلام به ابن جندب كه یك جوان فعال و پرشور و باایمان بود می‌فرماید: «یا بن جندب! حق علی كل مسلم یعرفنا ان یعرض عمله فی كل یوم و لیلة علی نفسه فیكون محاسب نفسه فان رای حسنة استزاد منها و ان رای سیئة استغفر منها و لئلا یخزی یوم القیامة؛ (11) ‌ای پسر جندب! هر مسلمانی كه ما را می‌شناسد شایسته است كه رفتار و كردار خود را در هر شبانه روز برخود عرضه دارد و حسابگر نفس خویش باشد تا اگر كار نیكی در آن‌ها دید، بر آن بیفزاید و اگر كار بدی در اعمال خود مشاهده نمود، از آن‌ها توبه كند، تا در روز قیامت دچار ذلت و حقارت نشود..»

6 - تعدیل حس دوست خواهی

انسان با انس به دوستانش احساس مسرت و لذت می‌كند. او در همنشینی با رفیق شفیق، نشاط و نیرو می‌گیرد و این یك نیاز طبیعی اوست و باید ارضاء شود. یك جوان در اثر این حس به سمت دوستان و همفكران خود كشیده می‌شود، او عاشق رفاقت است و دنبال ارتباط با هم سن و سالان خود می‌باشد. از طرف دیگر بر اثر غلبه احساسات و شور و شوق جوانی و نپختگی نگرش عقلانی، ممكن است در دام دوستان ناباب و یا صیادان و شیادان بیفتد. از این رو در انتخاب یك دوست ممكن است دچار مشكلات گردد. امام جعفر صادق علیه السلام دقیقا روی همین نكته انگشت اشارت نهاده و به جوانان چنین رهنمود می‌دهد: «الاخوان ثلاثة: فواحد كالغذاء الذی یحتاج الیه كل وقت فهو العاقل. و الثانی فی معنی الداء و هو الحق. و الثالث فی معنی الدواء فهو اللبیب؛ (12) دوستان سه دسته هستند. اول: كسی كه مانند غذا در هر زمان به او نیاز هست و او دوست عاقل است. دوم:كسی كه [برای انسان] مانند بیماری و درد [رنج آور] است، و او دوست احمق [و نادان] است و سوم: كسی كه وجودش برای فرد همانند داروی حیات بخش است، و آن رفیق روشن بین [و اهل تفكر] است..»

7 - ضرورت ازدواج

هر جوانی فطرتا نیازمند ازدواج است و باید به این نیاز خدادادی و طبیعی از طریق مشروع جواب داد. اما بعضی جوانان با بهانه قرار دادن بعضی مشكلات و سختی‌ها از این سنت الهی روی بر تافته و خود را در دام نفس شیطانی گرفتار می‌كنند. به آنان باید توجه داده شود كه این پیمان مقدس در میان تمام ملت‌ها وجود داشته و محبوبترین بنیان نزد خداوند متعال است. با ازدواج، شخصیت و ایمان دو جوان كامل می‌شود. صادق آل محمد علیه السلام فرمود: «من تزوج احرز نصف دینه فلیتق الله فی النصف الآخر؛ (13) كسی كه ازدواج كند نصف دینش را حفظ كرده است پس باید در نصف دیگرش تقوای الهی پیشه كند..»

و در حدیث دیگری آن حضرت به جوانان چنین پیام داد: «ركعتان یصلیهما المتزوج افضل من سبعین ركعة یصلیها اعزب؛ (14) دو ركعت نماز كه فرد ازدواج كرده می‌خواند بر 70 ركعت نماز یك فرد مجرد برتری دارد..»

8 - تشویق به نماز

بر اساس متون دینی ما نماز عامل كمال انسان و حافظ او از آلودگی‌ها و صفات مذموم و ناپسند است. همچنین این رفتار معنوی تاثیر بسزایی در بیدار كردن روح نظم و حفظ نظام انسان دارد. نماز تسلی بخش و آرامش بخش دل‌های مضطرب در انسان‌های خسته و نگران است. نماز شاخص رهروان راه خدا و بهترین وسیله ارتباط صمیمانه رب العالمین است. تجربه و آمار گواهی می‌دهد كه درصد بالایی از خلافكاران و هنجارشكنان در جامعه اسلامی در خانواده‌هایی بزرگ شده اند كه یا نماز نمی‌خوانند و یا آن را سبك می‌شمارند. پیشوای ششم جایگاه مهم نماز را در زندگی و رفتار روزانه یك مسلمان برای اقشار مختلف به ویژه جوانان تبیین نموده و فرمود: «اول ما یحاسب به العبد علی الصلوة فاذا قبلت قبل منه سائر عمله و اذا ردت علیه رد علیه سائر عمله؛ (15) [روز قیامت] اولین چیزی كه از بنده محاسبه می‌شود نماز است. اگر از او نماز پذیرفته شد، سائر اعمالش پذیرفته می‌شود اما اگر نماز او رد شد سایر اعمال [نیك] او نیز رد خواهد شد..»

آن حضرت در مورد زیان‌هایی كه در اثر دوری از نماز برای انسان رخ می‌دهد به ابن جندب فرمود: «ویل للساهین عن الصلوات، النائمین فی الخلوات، المستهزئین بالله و آیاته فی الفترات اولئك الذین لاخلاق لهم فی الآخرة و لا یكلمهم الله یوم القیامة و لا یزكیهم و لهم عذاب الیم؛ (16) وای بر آن‌ها كه از نماز غفلت كنند و در خلوت بخوابند و خدا و آیاتش را در دوران ضعف دین استهزاء كنند، آنان كسانی هستند كه در آخرت بهره ندارند و خدا در روز قیامت با آنان سخن نخواهد گفت و آنان را تبرئه نخواهد كرد و عذاب دردناك برای آن هاست..»

9 - تقویت اندیشه‌های مثبت

با تقویت تفكر مثبت در جوانان می‌توان صفات نیك و خصلت‌های زیبا را در وجود آن‌ها ایجاد كرد. آن گاه با فضاسازی مناسب و به وجود آوردن بسترهای لازم، آن‌ها را به تكرار رفتارهای مثبت متمایل كرده و آن رفتارها را به صورت عادات پایدار در وجود آنان در آورد. بخشی از اندیشه‌های مثبت در كلام امام جعفر صادق علیه السلام عبارتند از:

الف) زیارت دوستان و تقویت حس همیاری: آن حضرت نیكی به دوستان و دیدار آنان را برترین عبادت برشمرده و فرمود: «ما یعبد الله بمثل نقل الاقدام الی بر الاخوان و زیارتهم؛ خداوند به چیزی همانندگام برداشتن در راه نیكی به برادران دینی و دیدار و زیارت آن‌ها عبادت نشده است..»

ب) انس با خدا: چه زیباست كه جوانان پاك همیشه خدا را بهترین انیس خود بدانند و در سختی‌ها او را همدم و پناهگاه خویش بر گزینند. آن حضرت فرمود: «آنسو بالله واستوحشوا مما به استانس المترفون؛ (17) [انسان‌های با ایمان] با خدا انس گرفته اند و از آنچه كه مال اندوزان و دنیا پرستان به آن انس گرفته اند، در هراسند..» آری آنان از نعمت‌های خداوندی بهره می‌برند، اما به آن‌ها دل نمی‌دهند. آنان دلبسته خدا بوده و با یاد او آرام می‌شوند.

ج) پایداری در راه هدف: پایداری در راه ایمان و عقیده از عوامل توفیق و پیروزی است. یك جوان آن گاه به آرزوهای مشروع و دلخواه دست می‌یابد كه پشتكار و استقامت داشته باشد. مهمترین آرزوی هر جوان نیل به سعادت حقیقی و قرب پروردگار - كه جلوه تمام كمالات، زیبائی‌ها و خوبی هاست - می‌باشد. پیشوای صادق شیعیان فرمود: «لو ان شیعتنا استقاموا لصافحتهم الملائكة و لا ظلهم الغمام و لاشرقوا نهارا و لاكلوا من فوقهم و من تحت ارجلهم و لما سالوا الله شیئا الا اعطاهم؛ (18) اگر شیعیان ما در راه حق استقامت ورزند، فرشتگان با آنان دست می‌دهند. ابرهای رحمت بر آن‌ها سایه می‌افكند. مانند روز می‌درخشند، از زمین و آسمان روزی می‌خورند و آنچه از خدا بخواهند، به آن‌ها عطا می‌كند..»

د) دستگیری از افتادگان: معلی بن خنیس می‌گوید: «امام صادق علیه السلام در شبی بارانی از خانه به سوی ظله بنی ساعده رفت. به دنبال او رفتم، گویی چیزی از دست او بر زمین افتاد. حضرت گفت:

به نام خدا، خداوندا آن را به ما بازگردان. به نزدیك رفته سلام كردم. فرمود: معلی تو هستی؟ عرض كردم! آری فدایت شوم! فرمود: با دست خود زمین را جست وجو كن، هر چه یافتی آن را به من بازگردان.

معلی می‌گوید: نان‌های زیادی روی زمین افتاده بود. یكی یكی، دوتا دوتا پیدا می‌كردم و به آن حضرت می‌دادم. كیسه‌ای پر از نان همراه آن حضرت بود و از سنگینی آن را به زحمت حمل می‌كرد. عرض كردم: اجازه دهید آن را من بیاورم؟ فرمود: من از تو شایسته ترم، ولی با من بیا. به ظله بنی ساعده رسیدیم. گروهی را دیدم كه در خواب بودند. آن حضرت یك یا دو قرص نان را در زیر سر آنان می‌گذاشت. توزیع نان به آخرین نفر كه تمام شد، بازگشتیم. عرض كردم: فدایت شوم! آیا این‌ها شیعه هستند. فرمود: اگر شیعه بودند حتی در نمك طعام نیز با آنان مواسات و از خود گذشتگی می‌كردم..» (19)

ه) توجه به غذا: یك جوان مسلمان همچنان كه به سلامت روح خود می‌اندیشد، در پرورش جسم نیز كوشا است او فردی ضعیف البنیه، كسل و منزوی نیست بلكه به بهداشت غذای خویش در كنار بهداشت روانش توجه دارد. از راه تغذیه صحیح و ورزش جسم خود را تقویت می‌كند و از راه‌های مختلف نشاط خویش را به دست می‌آورد، اما در عین حال به حلال و حرام بودن غذایی كه می‌خورد توجه كامل دارد و آثار مخرب غذای حرام و غیر مشروع را در وجودش در نظر دارد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «شیعتنا لا یاكلون الجری... و لایشربون مسكرا؛ (20) شیعیان ما مارماهی نمی‌خورند... و شراب و مسكرات نمی‌نوشند..»

و) نیك رفتاری با اهل معصیت: در اصلاح رفتار غلط و ناپسند دیگران و كسانی كه به نوعی مرتكب گناه می‌شوند، باید شیوه‌ای كارآمد در پیش گرفت و ترس و یاس آنان را در پیوستن به ردیف خوبان از میان برداشت و با نیك رفتاری و امید دادن، روحیه شكست خورده آنان را تقویت نموده و بازسازی كرد.

امام صادق علیه السلام فرمود: «لا تقل فی المذنبین من اهل دعوتكم الا خیرا، واستكینوا الی الله فی توفیقهم؛ (21) در مورد همكیشان گنه كار خود جز خوبی و نیكی چیزی نگو و از خداوند توفیق هدایت آنان را بخواهید..»

ز) در اندیشه شغل حلال: عبدالاعلی بن اعین در یك روز تابستانی بسیار گرم در یكی از كوچه‌های مدینه امام صادق علیه السلام را ملاقات كرده و به آن بزرگوار عرضه داشت: «فدایت شوم! با این مقام و منزلت و رتبه‌ای كه نزد خداوند دارید و خویشاوندی كه با پیامبر برای شماست، باز هم برای دنیای خویش تلاش می‌كنید و در چنین روز گرمی خود را در فشار و سختی قرار می‌دهید؟! امام در پاسخ فرمود:‌ای عبدالاعلی! جهت یافتن روزی و درآمد حلال بیرون آمده‌ام تا از افرادی همانند تو بی نیاز شوم..» (22)

ح) برنامه‌ریزی صحیح در زندگی: امام صادق علیه السلام می‌فرمود: «فان الله یعلم انی واجد ان اطعمهم الحنطة علی وجهها و لكنی احب ان یرانی الله قد احسنت تقدیر المعیشة؛ (23) خدا می‌داند كه می‌توانم به بهترین صورت نان گندم خانواده‌ام را تهیه كنم، اما دوست دارم خداوند مرا در حال برنامه‌ریزی صحیح زندگی ببیند..»

* **پاورقــــــــــــــــــــی**

1) التهذیب، ج 8، ص 111.

2) الكافی، ج 8، ص 93.

3) بحار الانوار، ج 10، ص 295.

4) معجم رجال الحدیث، ج 19، ص 325.

5) بحارالانوار، ج 75، ص 237.

6) منیة المرید، ص 375؛ اصول كافی ج 1، ص 25.

7) بحار الانوار، ج 1، ص 214.

8) وسائل الشیعه، ج 12، ص 208.

9) و در حدیث دیگری آن حضرت طمع نورزیدن و پرخاش نكردن را از نشانه‌های یك شیعه كامل شمردند: شیعتنا لا یهرون هریر الكلب و لایطمعون طمع الغراب (مستدرك، ج 12، ص 69.)

10) امالی طوسی، ص 303.

11) تحف العقول، ص 301.

12) بحارالانوار، ج 75، ص 237.

13) همان، ج 100، ص 219.

14) روضة الواعظین، ج 2، ص 374.

15) من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 208.

16) تحف العقول، ص 302.

17) همان، 301.

18) همان، ص 302.

19) تفیسر عیاشی، ج 2، ص 107. با استفاده از عبارات شهید مطهری.

20) تحف العقول، ص 303.

21) همان.

22) الكافی، ج 5، ص 74.

23) همان، ص 166، و اعیان الشیعه، ج 1، ص 59.